نگاهی به
تاریخ ارمنیان ایران

نوشته
ادیک باغداساریان
(ا. گرمانیک)

تهران ۱۳۸۰

ISBN 964-06-0749-5

شابک ۹۶۴-۰۶-۰۷۴۹-۵

Էդիկ Բաղդասարյան
(Էդ. Գերմանիկ)

Համառոտ Ակնարկ
Իրանահայ Համայնքի
Պատմության
(Պարսկերեն)

A Short History
Of
Armenian Community
In Iran

(In Persian)

By : Edic Baghdasarian (Ed. Germanic)
germanic@armenia.com

Թեհրան 2002 Tehran

ISBN 964-06-0749-5

شابک ۹۶۴-۰۶-۰۷۴۹-۵

نگاهی به

تاریخ ارمنیان ایران

نوشته

ادیک باغداساریان

(ا. گرمانیک)

تهران ۱۳۸۰

ISBN 964-06-0749-5

شابک ۵-۰۷۴۹-۰۶-۹۶۴

عنوان : نگاهی به تاریخ ارمنیان ایران

نوبسنده : ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک)

ناشر : مولف

چاپ نخست ۱۳۸۰

شمارگان ۱۰۰۰

چاپ احسان - تهران

۱۰۰۰ ریال

سخن آغاز

سطوری که به نظر خوانندگان گرامی می رسد خلاصه ای ازپیشگفتار تاریخ ارمنیان ایرانی است که پیشتر در چند شماره ماهنامه آپاگا به چاپ رسیده و اکنون یکجا تقدیم می گردد.

کتاب مفصل تاریخ ارمنیان ایران که حاصل بیش از ۲۵ سال پژوهش این حقیر می باشد ، در صورت حل مسئله انتشار در آینده ای نزدیک به اهل اندیشه و مطالعه پیشکش خواهد شد.

ادیک باغداساریان

(ا.گرمانیک)

دی ماه ۱۳۸۰

edbagh@gmail.com

نگاهی به تاریخ ارمنیان ایران

پیوندهای تاریخی ایرانیان و ارمنیان ریشه در ژرفای تاریخ دارد. بررسی پیوندهای نژادی این دو قوم خود موضوع پژوهشی جداگانه ای است و جا و زمانی دیگر نیاز دارد اما اگر بخواهیم نخستین روزهای حضور ارمنیان در پهنه ایران را از دل تاریخ بیرون بکشیم ناگزیر هستیم به سده ششم پیش از میلاد بازگردیم.[۱] این ارمنیان عمدتا سپاهیان ارمنی بودند که در خدمت سپاه هخامنشی قرار داشتند. پس از آن بازرگانان و پیشه وران بسیاری به اقتضای شغل خود در ایران به سر می بردند. ارمنیان به عنوان ساکنان ایران زمین از دیرباز در استان آذربایجان یا پارسکاهایک (تبریز، مرند، ارومیه یا کابوتان، خوی یا هر، مراغه، سلماس یا زارواند، ماکو یا آرتاز، قره داغ یا پایتاکاران و جز اینها) که پس از اضمحلال حکومت ارمنستان به سرحدات ایران پیوست،[۲] زندگی می کردند.

در سده های سوم و چهارم میلادی مهاجر نشین های بزرگ ارمنی در ایران تشکیل شدند لیکن در پی پذیرش مسیحیت در ارمنستان به عنوان مذهب رسمی (۳۰۱ م. ارمنستان نخستین دولتی بود که مسیحیت را مذهب رسمی اعلام کرد) روابط ایران و ارمنستان تیره شد و این تیرگی ظاهرا رنگ و بوی مذهب به خود گرفت[۳] (در آن

---

[۱] گزنفون، کوروشنامه، ترجمه آشوت مرادخانیان، تهران ۱۹۷۱، ص ۶۱

[۲] دانشنامه بزرگ ارمنی جلد ۴ ، ص ۴۵۰

[۳] کشورها و مردان خاور نزدیک و میانه، جلد ۸

زمان حکومت ساسانی مذهب زرتشت را آیین رسمی اعلام نموده بود و ارمنستان مسیحیت را) لیکن هدف و انگیزه اصلی این اختلاف مسایل ارضی و نیز تصاحب راه های بازرگانی بود که از پهنه ارمنستان می گذشت.[۴]

مهاجرت های اجباری ارمنیان به ایران در سده سوم میلادی از سوی اردشیر ساسانی[5] و در سده چهارم به دست شاپور دوم و در پی لشکرکشی به ارمنستان صورت گرفت.[۶] به گواهی تاریخ نگاران ارمنی در این دوره چند صد هزار ارمنی به ایران آورده شدند[۷] که بخش اعظم آنان در خوزستان و نواحی جنوب غربی ایران اسکان یافتند.[۸]سرنوشت نه چندان خوبی در انتظار مهاجران ارمنی بود زیرا در اوایل سده هفتم ایران زیر سلطه تازیان قرار گرفت و ارمنیان مهاجر نیز همانند مردمان بومی آیین جدید را پذیرفته مستحیل شدند و ملیت خود را از دست دادند.[۹]

از سده ۱۱ م. به بعد در پی لشکر کشی های سلجوقیان و مغولان مهاجر نشین های جدید ارمنی در ایران پدید آمدند. مهاجرت بزرگ ارمنیان را سلجوقیان به سال ۱۰۴۸ م. باعث شدند. آریستاکس لاستیورتسی (Aristakes Lastivertsi) در

---

[۴] سیاست های نابخردانه ساسانیان در زمینه آزادی های اجتماعی و مذهبی، اقتصاد و سپاهیگری و اداری چنان ضربه ای به پیکر این سرزمین زد که ایران را به عنوان یک ابر قدرت قرن های متمادی در ورطه نیستی قرار داد.

[5] آگاتانگغوس، تاریخ ارمنیان، ایروان ۱۹۷۷ ص ص ۳۶-۳۱

[۶] پاوستوس بوزاند، تاریخ ارمنیان، ایروان ۱۹۶۸، ص ۲۲۲

[۷] دانشنامه بزرگ ارمنی، جلد ۴ ، س ۴۵۱

[۸] کشورها و مردمان خاور نزدیک و میانه، جلد ۸ ، ص ۱۹۴

[۹] همانجا

کتاب "تاریخ" خود تشریح می کند که چگونه به فرمان طغرل لشکری به فرماندهی ابراهیم یانالی و گتلوش وارد ارمنستان می شود و ۲۴ ناحیه از این سرزمین را به خون و آتش می کشد و اسیران زیادی گرفته به ایران باز می گردد.[۱۰]

بر پایه آگاهی های ماتوس اورهایتسی سلجوقیان پس از کشتن ۱۵۰/۰۰۰ نفراز ارمنیان همین تعداد از آنان را نیز به ایران آوردند.[۱۱] غیر از آن، پس از سقوط حکومت ارمنستان در سده ۱۱ م. نواحی ارمنی نشین ماکو، خوی، سلماس، ارومیه، آرتاز، هر، زارواند و غیره ضمیمه خاک ایران شد.در سده های ۱۴-۱۱ مهاجر نشینان ارمنی در تبریز، مراغه، رشت، سلطانیه و چند ناحیه دیگر وجود داشتند.[۱۲] که حوزه های اسقفی نیز داشتند[۱۳] اما شرایط اجتماعی - اقتصادی ایران برای اتحاد و یک پارچگی آنان کافی نبود.تعداد ارمنیان در ایران در سده ۱۲ آن قدر زیاد بود که دو حوزه اسقفی بزرگ بوجود آمد، یکی حوزه اسقفی (یا خلیفه گری) هرو زارواند ودیگری حوزه اسقفی سلماس و پایتخت ایران. اطلاعاتی موجوداست که رهبران این دو حوزه اسقفی ارمنی در شورای ملی کلیسای ارمنی که در سال ۱۱۷۴ در هرومکلا تشکیل شده بود، شرکت داشتند.[۱۴]

---

[۱۰] آریستاکس لاستیورتسی، تاریخ، تفلیس ۱۹۱۲، ص ۶۵

[۱۱] ماتوس اورهایتسی، "وقایعنگاری"، ایروان، ۱۹۷۳، ص ۶۸

[۱۲] کشورها و مردمان خاور نزدیک و میانه، جلد ۸، ۱۹۴

[۱۳] ه . ل. پهلوانیان، جامعه ارمنی ایران، ایروان ۱۹۸۹، ص ۵

[۱۴] م. چامچیان، تاریخ ارمنیان، جلد ۸، ص ۱۳۲

بخشی از مهاجران چند هزار نفری ارمنی در راه هلاک می شود. اما باقیمانده آنان به ویژه پیشه وران و بازرگانان موفق می شوند کمر راست کنندو مهاجران را متحد ساخته پایه های جامعه ارمنی مهاجر نشین را پی ریزی نمایند.[۱۵]

شرایط زندگی مهاجران ارمنی ایران به ویژه در زمان پادشاهی ملکشاه (۱۰۹۲-۱۰۷۲م.) به طور محسوسی بهبود می یابد زیرا او رفتار بسیار خیرخواهانه ای نسبت به ارمنیان داشت و در این باره ماتوس اورهایتسی آگاهی داده است.[۱۶]

مهاجر نشینان ارمنی در ایران به ویژه در دوره سلطه مغولان رونق یافتند و در زندگی اقتصادی ایران نقش به سزایی ایفا کردند. بزرگترین مهاجرت اجباری ارمنیان به ایران در زمان مغولان در سال های ۱۲۳۷-۱۲۳۶ روی داد که در این باره گراگوس گانزاکتسی (Giragos Gandzaketsi) تاریخ نگار ارمنی آگاهی می دهد.[۱۷] مهاجرت دیگری نیز در سال ۱۳۴۰ روی داده که سارکیس گریچ (منشی) درباره آن مطلبی ثبت کرده است.[۱۸] مهاجرت ارمنیان از ارمنستان به ایران در زمان مغولان کاملا اجباری نبوده بلکه بخشی از آنان به خواست خود به این سرزمین آمده اند. بازرگانان و پیشه وران ارمنی تلاش چشم گیری در شهرهای پر رونق ایران در سده ۱۳ م.، به ویژه در شهر تبریز، از خود نشان دادند. پروفسور آ.گ.آبراهامیان چنین می نویسد :

---

[۱۵] آ. گ. آبراهامیان، خلاصه ای از تاریخ مهاجر نشینان ارمنی، جلد ۱، ایروان ۱۹۶۴، ص ۲۴۰

[۱۶] م. اورهایتسی. وقایعنگاری، ایروان ۱۹۷۳، ص ۱۵۷

[۱۷] گ . گانزاگتسی، تاریخ ارمنیان، ایروان ۱۹۶۱، ص ۲۳۴

[۱۸] "آزگایین هانس"، کتاب ۱۲، ۱۹۰۵، ص ۱۶۵، نیز آ.گ. آبراهامیان، کتاب یاد شده، ص ۲۴۲

"...تبریز در سده ۱۶ م. ۷۰۰ خانوار ساکنان ارمنی با ۱۲ کلیسا داشت... در هر حال در سده های ۱۵-۱۴، ارمنیان چنان در تبریز متمرکز شده بودند که در یک نسخه خطی ارمنی مربوط به سال ۱۳۴۵ م. نرسس گریچ تبریز را پایتخت ارمنیان و نه فارس ها قلمداد کرده است.[۱۹]

در سده های ۱۵-۱۴ جمعیت کثیری از ارمنیان در سلطانیه که از سوی ایلخان ارغون خان (۱۲۹۱-۱۲۸۴) در میان زنجان و قزوین بنا شده بود، زندگی می کردند. در اوایل سده ۱۴ م. پایتخت ایلخانیان از تبریز به این شهر منتقل شد. سلطانیه نیز مستقل از تبریز دارای حوزه اسقفی ارمنی خود بود.[۲۰]

مهاجر نشین های بزرگ ارمنی در آذربایجان عمدتا شامل ماکو، مراغه، سلماس، ارومیه و در استان گیلان شامل مرکز رشت بود.

مهاجرت های اجباری ارمنیان در زمان تاخت و تازهای تیمور لنگ نیز ادامه می یابد و اکثر آنان به استان خراسان کوچانیده می شوند.[۲۱]

مهاجر نشین ارمنی اصفهان در زمان سلطنت شاه اسماعیل صفوی به وجود آمد، در اینجا لازم است این نظریه را اصلاح کنیم که براساس آن گروهی معتقد بودند ارمنیان نخستین بار توسط شاه عباس صفوی در اصفهان کوچانیده شدند لیکن بعدا مشخص شد که چنین نبوده است. پیش از مهاجرت ارمنیان بدست شاه عباس، تاریخ نگارانی چون آراکل داوریژتسی (Arakel Davrizhetsi) [22]، هاروتیون

---

[۱۹] آ.گ.آبراهامیان، کتاب یاد شده، ص ۲۴۳

[۲۰] همانجا، ص ۲۴۵

[۲۱] همانجا، ص ۲۴۸

[۲۲] آراکل داوریژتسی، تاریخ، ایروان۱۹۸۸ ، ص ۲۵

ترهونانیانتس[۲۳] و گریگور آقابابیان [۲۴] درباره وجود مهاجر نشین ارمنی در اصفهان گواهی داده اند. سیاحان اروپایی در سده ۱۶ م. در سفرنامه های خود اطلاعات زیادی درباره بازرگانان و پیشه وران ارمنی و فعالیت های آنان در اصفهان گزارش می کنند.

سپاه ایران در سال ۱۶۰۳ به فرماندهی شاه عباس از رود ارس عبور کرده وارد جلفا می شود. سپاه ایران نخجوان را تصرف کرده ایروان را به محاصره خود در می آورد زیرا سپاهیان ترک در آنجا استقرار یافته بودند، در این میان، یک سپاه دیگر ایرانی از مرز ترکیه می گذرد و به سوی شهر کارین (ارزروم) حرکت می کند و به شهرها و نواحی وان، مانازگرد، آلاشگرد، ارزروم، باس، خنوس تاخت و تاز می کند[۲۵] و ۶۰ هزار از ساکنان ارمنی را از ارمنستان به ایران منتقل می کند.[۲۶]

شاه عباس پس از تصرف ایروان از حرکت و پیشروی سپاه ترک به فرماندهی سنان پاشا مطلع می شود. لذا تصمیم می گیرد طرح خود را عملی سازد و مهاجرت اجباری ارمنیان ساکن آن خطه را به سوی اعماق ایران به مرحله اجرا درآورد. شاه عباس اجرای این طرح را از دو دیدگاه سودمند می دانست : نخست این که منطقه را در برابر سپاه ترک خالی از سکنه و آبادی می کرد و بدین وسیله تهیه

---

[۲۳] هاروتیون ترهونانیانس، تاریخ جلفای نو، جلد ۱، جلفای نو، ۱۸۸۰، ص ۱۵۸

[۲۴] سالنامه ارمنی ایران، تهران ۱۹۲۹، ص ۱۱

[۲۵] آ. داوریژتسی، تاریخ، ایروان، ۱۹۸۸، ص ۴۰

[۲۶] آ.گ. آبراهامیان، منبع یاد شده، ص ۲۵۱، نیز ی. لالایان، فهرست نسخ خطی واسپوراگان، ص ۸۲۲

آذوقه سپاه ترک دشوار می شد، دیگر آنکه انتقال ارمنیان به ایران باعث شکوفایی اقتصادی کشور می شد.[۲۷]

بخش اعظم جمعیت مهاجر چند هزار نفری از بین می رود.

مهاجران ارمنی در مراحل مختلف مهاجرت خود در نواحی مختلف ایران از جمله در کاشان، قزوین، گیلان و انزلی،[۲۸] روستاهای اصفهان، در لنجان، آلنجان، گاندیمان و جغاخور، فریدن و بربرود[۲۹]کزار، کمره، جاپلق، قره قان[۳۰]، شیراز[۳۱]، چهار محال، مازندران[۳۲]، همدان و دیگر جاها اسکان گزیدند.

یکی از جهانگردان اروپایی شمار مهاجران ارمنی را ۶۰/۰۰۰ خانوار یاد کرده است. اگر تعداد افراد هر خانوار را ۵ نفر در نظر بگیریم، شماره مهاجران ۳۰۰/۰۰۰ نفر خواهد بود. البته ارقام دیگری نیز ارایه شده است. براساس یکی از آنها مهاجران ۷۰/۰۰۰ خانوار بوده اند. بر پایه جهانگرد اروپایی، تنها تعداد مهاجران برده فروخته شده ۱۰۰/۰۰۰ نفر بود. شاردن سیاح ۴۰ سال بعد از مهاجرت بزرگ هنگامی که در مازندران به سر می برد با تاسف ذکر می کند که از ۳۰/۰۰۰ خانوار مهاجر ارمنی که به آنجا رفته بودند تنها ۴۰۰ خانوار باقی مانده بقیه به علت

---

[۲۷] همانجا، ص ۲۵۱

[۲۸] ه . ترهونانیانتس، کتاب یاد شده، جلفای نو، جلد ۱، ۱۹۸۰، ص ۳۸

[۲۹] آ. داوریژتسی، تاریخ، ص ۴۷

[۳۰] ه . تر هونانیانتس، کتاب یاد شده، ص ۴۰

[۳۱] آ. داوریژتسی، ص ۴۸

[۳۲] آ.گ.آبراهامیان، ص ۲۵۳

ناسازگاری آب و هوای منطقه مرده اند.[۳۳] اطلاعات دیگری نیز وجود دارد که بر پایه آنها شمار مهاجران به ۵۰۰/۰۰۰ نفر بالغ می شده است.[۳۴]

شاه عباس در حومه شهر اصفهان در ساحل زاینده رود ، به ارمنیان مهاجر که عمدتا" از اهالی نخجوان و ایروان و جلفای ارس بودند ، اجازه داد خانه و کاشانه ای برای خود بسازند . آنان نیز برای حفظ نام شهر پیشین خود نام مکان جدید را جلفای نو برگزیدند . شاه امتیازات چشمگیری به بازرگانان و پیشه وران ارمنی می دهد وحتی اجازه می دهد ارمنیان کلیساهای خود را بنا نهند و دادگاه های خود را داشته باشند . به فرمان او سنگهای وانک اچمیادزین مقدس برای تزئین دیوارهای در حال ساخت کلیساهای جلفای نو به این محل آورده می شود تا بدین وسیله مهاجران با سرزمین جدید انس و خو بگیرند . جلفای نو پس از مدتی کوتاه به یکی از کانون های مهم بازرگانی ایران تبدیل شد و بازرگانان ارمنی آنجا که اصطلاحا" خوجا یا خواجه نامیده می شدند ، در سده ۱۷ و ربع نخست سده ۱۸ م. به عنوان چهره های فعالبازرگانی و رونق دهندگان روابط تجاری و اقتصادی ایران با هند ، کشورهای اروپایی و روسیه در آمدند.[۳۵]

---

[۳۳] همانجا

[۳۴] دانشنامه بزرگ ارمنی، جلد ۴، ص ۴۵۱

[۳۵] - برای آگاهی بیشتر در این باره به کتاب " نقش ارمنیان ایران در تجارت بین الملل " نوشته واهان بایبوردیان ، ترجمه ادیک باغداساریان (گرمانیک) ، تهران ۱۳۷۵ ، نگاه کنید.

جلفای نو در سده ۱۷ و اوایل سده ۱۸ م. به عنوان مرکز مذهبی یا حوزه اسقفی ارمنیان ساکن در جنوب ایران و نیز مرکز فرهنگی برای سراسر مهاجرنشین در آمد .

در پی لشکرکشی های افغانان در دهه ۲۰ سده ۱۸م. زندگی در جلفای نو دچار افول شدید شد و در دوره پس از آن و در زمان جنگ های داخلی و فئودال ، بخش چشمگیری از ارمنیان بویژه قشر توانمند از ایران مهاجرت کردند و عمدتا" به هند ، عراق و کشورهای عربی و روسیه رفتند . سپس بخش اعظم ارمنیان ساکن در ایران در محل باقی ماند و در استان های مختلف مقیم شدند.۳۶

به گواهی هنری مارتین میسیونر انگلیسی (مورخ ۲۲ مه ۱۷۱۱) مهاجرنشین ارمنی در سواحل خلیج فارس در بوشهر وجود داشته و خود مهمان یک خانواده ارمنی در آنجا بوده است . ارمنیان در سال ۱۷۱۱ در بوشهر دارای کلیسا و کشیش بودند . بازرگانان ارمنی جلفای نو زمانی که با هند مناسبات بازرگانی ایجاد کردند از بندرعباس استفاده کردند لیکن زمانی که در سال ۱۷۶۳ انگلیسیان از این بندر دور شدند ، بازرگانان ارمنی نیز در پی آنان در بوشهر مستقر شدند.۳۷

در این سالها در میان ساکنان روستایی ارمنی نیز جابجایی صورت گرفت . کلیه روستاییان ارمنی نواحی لنجان و آلنجان در نزدیکی جلفای نو به سمت غرب و جنوب غربی یعنی به فریدن ،بروجرد و چهارمحال جابجا شدند . در دهه بعد بسیاری از خانواده های روستایی ارمن از بربرود و جاپلق به نواحی همسایه کمره و کزاز

---

[۳۶] – کشورها و مردمان خاور نزدیک و میانه ، جلد ۸ ص ۱۹۵ .

[۳۷] – م. بولادیان ، مهاجر نشین قدیمی بوشهر ، سالنامه رافی ، تهران ۱۹۶۹ ، ص ۲۸۰ .

مهاجرت کردند . در جریان این جابجایی مساکن جدید ارمنی نشین ایجاد شدند و یا آنانکه قبلا موجود بودند پر جمعیت تر شدند .۳۸

ارمنیان ایران در نیمه دوم سده ۱۸م. در دوران شدت یافتن منازعات و جنگهای فئودالی و در زمانی که نادرشاه افشار به سال ۱۷۴۷ کشته شد، در شرایط بسیار سختی زندگی می کردند.

در نیمه دوم سده ۱۸م. زور شمشیر خان ها از یک سو، سایه مرگ از سوی اوباش و اراذل ، مالیات و باج سنگین از سوی مقامات خود سر و شکنجه و آزار و اذیت از طرف مأموران مالیات و به بیان بهتر باجگیران حکومت بر ایران زمین چیره شده بود۳۹. درسال ۱۷۵۳ میزان مالیات فوق العاده اصفهان و جلفای نو بالغ به ۶۰۰۰۰ تومان بود و چندی بعد از آن ، زمانی که افغانان بر اصفهان حاکم شدند از اهالی جلفای نو ۱۸۰۰ تومان اضافه نیز طلب کردند. ۴۰

در شرایط نابسامان ارمنیان در سده ۱۸م. گروهی میسیونر کاتولیک تلاش کردند از آن اوضاع استفاده کنند ، اینان از زمان شاه عباس در ایران مستقر شده بودند . چندین هیئت میسیونری در ایران وجودداشت از جمله اگستینیان که در آغاز تحت حمایت پادشاه پرتغال بودند ولی بعد ها مورد پشتیبانی پادشاه اسپانیا در آمدند. هیئت کاپوچینیان و ژزوئیت ها که در حمایت پادشاه فرانسه فعالیت می کردند ، هیئت کارملیت که از سوی پاپ رم پشتیبانی می شد و جز اینها ۴۱ . آن بخش از

---

[۳۸] – کشورها و مردمان خاور نزدیک و میانه ، جلد ۸ ، ص ۱۹۶ .

[۳۹] – م. چامچیان ، تاریخ ارمنیان ، جلد ۸ ، ص ۸۴۹ .

[۴۰] – آ . گ . آبراهامیان ، کتاب یاد شده ، ص۲۱۷ .

[۴۱] – آ. گ . آبراهامیان ، کتاب یاد شده ، جلد ۲ ، ص ۲۲۰ .

ارمنیان ایران که با جهان کاتولیک در ارتباط بودند به همین آیین نیز در آمدند . لیکن پس از آن فعالیت های میسیونر ها قرین موفقیت نبوده است.

جامعه ارمنی ایران در دهه های ۳۰-۲۰ سده ۱۹م. متحمل رویدادها و دگرگونی های جدیدی شد . به موجب پیمان ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ م . بخشی از خاک ارمنستان به روسیه ضمیمه شد و حدود ۴۵ هزار نفر ارمنی از استان های شمالی ایران خا رج و در استان های ایروان و نخجوان اسکان یافتند.۴۲

ارمنیانی که در ایران ماندند عمدتا در استان های جنوبی و شمالی زندگی می کردند. جلفای نو کماکان مرکز ارمنیان جنوب بودند و ارمنیان ساکن در فریدن ، کروند ،چهارمحال ، بربرود ، همدان ، شیراز ، کمره ، کزاز تابع آن بودند.

پس از سال ۱۸۳۳ مرکز ارمنیان شمال از کلیسای تادئوس مقدس به تبریز انتقال یافت و پس از آن تبریز مرکز مذهبی ارمنیان ساکن در خوی ، ماکو ، سلماس ، ارومیه ، قره داغ ، مراغه و دیگر جاهای استان های شمالی گردید .

جمعیت ارمنیان در نیمه دوم سده ۱۹م. روبه افزایش سریع نهاد و مهاجرنشین های جدیدی در مشهد ، کرمانشاه و دیگرجاها تشکیل شد . در اوایل سده ۲۰م. توام با توسعه فعالیت های صنایع نفت مهاجرنشین های ارمنی در جنوب بویژه در آبادان ، اهواز ، مسجد سلیمان و دیگر جاها بوجود آمد.۴۳

در سده های ۱۹-۱۷م. بخشی از جمعیت ارمنی نواحی جنوبی درنواحی مرکزی تمرکز یافتند و چند ناحیه جدید برای خود پدید آوردند.

---

[۴۲] - کشورها و مردمان خاور نزدیک و میانه ، جلد ۸ ، ص ۱۹۶.
[۴۳] - همانجا ، ص ۱۹۷.

در اثر پروسه تاریخی مهاجرت ارمنیان ایران به دو بخش شمالی (با مرکز تبریز) و جنوبی (با مرکز جلفای نو) تقسیم شدند. این تقسیم بندی تا دهه ۴۰ سده ۲۰م. حفظ شد.

در پی افزایش جمعیت ارمنیان تهران تقسیم بندی یاد شده دچار تحول شد و در دهه ۱۹۴۰ ناحیه جدیدی بوجود آمد که مرکز آن تهران بود و نواحی نزدیک آن همچنین نواحی جنوب شرقی و شمال شرقی نیز به آن پیوستند.به سال ۱۹۴۶ مهاجرت بزرگ ارمنیان به ارمنستان آغاز شد و آنان با شتاب خود را به تهران می رساندند تا عازم ارمنستان شوند لیکن تنها بخشی از آنان در این کار موفق شدند و بقیه بناچار در تهران ماندند و اکثریت جمعیت ارمنی کنونی تهران را تشکیل دادند.

در سال ۱۸۵۱ حدود ۲۰۰۰۰ ارمنی اما در ۱۸۹۰ تعداد ۸۰۰۰۰ نفر می زیستند . به سال ۱۹۷۸ شمار آنان به ۲۰۰۰۰۰ نفر می رسید . پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ بویژه در پی جنگ طولانی ایران و عراق جمعیت قابل توجهی از آنان ایران را ترک وبه کشورهای اروپایی و آمریکا مهاجرت کردند.

ارمنیان در همه دوره ها در زندگی اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ایران شرکت فعال داشته اند .

اکنون جوامع ارمنی ایران از سوی شوراهای خلیفه گری رهبری می شود . در سال ۱۹۳۵ دولت ایران "مجموعه مقررات مربوط به احوال شخصیه و وراثت ارمنیان ایران " را مورد تائید قرار داد . تا سال ۱۹۵۶ حوزه های اسقفی ارمنی ایران تابع مقرجاثلیق کل کلیسای ارمنی در اچمیادزین ارمنستان بودند پس از آن در پی رویدادهای سیاسی غرب و شرق و صف بندی جدید آنها تحت حاکمیت جاثلیق کیلیکیه مستقر در بیروت قرار گرفتند . در ایران سه حوزه اسقفی وجود دارد :

حوزه اسقفی (خلیفه گری) آذربایجان (بامرکز تبریز) تهران ، جنوب ایران و هند (با مرکز جلفای نو). کلیساهای ارمنی کاتولیک ، پروتستان ، جمعیت برادری ، ادونتیست و کلیسای جماعت ربانی که پس از انقلاب فعال شد در ایران وجود دارند وکار می کنند.

جامعه ارمنی ایران در پی انقلاب مشروطه درسالهای ۱۱-۱۹۰۵ از حق داشتن نماینده در مجلس شورای ملی برخوردار شد.پس از استقرار جمهوری اسلامی ، همان حقوق به قدرت خود باقی ماند . بر اساس ماده ۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۴۴،ارمنیان دارای دو نماینده در مجلس شورای اسلامی هستند (از سوی ارمنیان ساکن در جنوب و شمال). آزادی مذهبی آنان نیز در ماده ۱۳ همان قانون پیشبینی شده.۴۵

اکنون اکثریت جمعیت ارمنیان ایران در تهران ، سپس در جلفای نو ، تبریز ، ارومیه ، قزوین ، اراک ، مشهد ، کرمانشاه ، شیراز ، گرگان ، رشت ، شاهین شهر و اهواز زندگی می کنند .

---

[۴۴] – قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، تهران : ۱۳۷۰ ، ص ۳۹.

[۴۵] – همانجا ، ص ۲۶.

Էդիկ Բաղդասարյան
(Էդ. Գերմանիկ)

Ð ³ Ù ³ éáï ² ÏÝ ³ ñÏ
Æñ ³ Ý ³ Ñ ³ Û Ð ³ Ù ³ ÛÝùÇ
ä ³ ï ÙáõÃÛ ³ Ý
(ä ³ ñëÏ»ñ»Ý)

A Short History
Of
Armenian Community
In Iran

(In Persian)

By : Edic Baghdasarian (Ed. Germanic)
germanic@armenia.com

Â»Ññ ³ Ý   2002   Tehran